

مجلس علمیه اربعین ۱۳۰۲  
کتابخانه و قلمخانه

آن ۴  
فان بدین وی که خود را ضای میگوید بخت الله علیه قتل پس کوی فرعون را هک  
لک الی الخ سحر و غیبت است ترا که یک شوی اگر کفر و کناه و ایمان آری بخدای تعالی است  
من و اهدیک الی ربک فکفخی و راه غایب ترا بخدای تو تا برسی و اگر کفر و کناه و دوری  
فاره الایة الکبری پس خود موسی فرعون زانانی بزرگ نفس عصارا وید پیشا را  
وید پیشا آن بود که دست خود را موسی علیه السلام در بغل خود می نهاد و بجا قلاب روشن  
می شد و در عصا نما مجسمه بود وید پیشا کبر بود از بهر آنکه سخن فرعون می توانستند  
سوی بصورت پیشا آوردن و بصورت عصا آوردند فلکلب و عصی پس دروغ  
کوی داشت فرعون موسی را و عاصی شد خدا او بولسی پس برکت از قبول کردن  
ایمان و کوشش کرد در پند کردن و دشمنی موسی علیه السلام بخش پس کرد که در آن  
دشمن خود را و قوم خود را فنادی پس خواندایشان را و آواز دادشان فقال انانکم  
الاعلی پس کانت من فدای بزرگ تر شما لعنة الله علیه یعنی تان فدایان خود من  
کلان ترایت نر فاحده الله پس کفش فدای تعالی ننگ الالاحرة والاد  
بر سواهی قدرت و دنیا در دنیا غن کرده شش در آب و ذرات سوختن باش  
ان فی ذلک لعین لمن یخشی برستی درین عذاب که ویرا کردیم پند نیست  
مکسب که بر سپرد از فدای تعالی و العبره پند و انگشت غای طلق شدن ضعیب

اوله و در دنیا الحاقه میگویند قران اما باز گردانیده شده کان خواهر بود بحال  
اول و مانده شوم ضایک اول بودیم الحافه اول کا بعضی زنده کان از پس کمال اوله الخ  
نخج ا چون ما شوم استخوانهای پوسیده میاز کا واک که با دو روی کوز و آوار شنود الطوا  
ناخه و نخجه العاصل فی اذامخروف ای بنفش اذ انک عطا ما قالو گفتند کانون ملک  
اذ الکره با زکروانی است خاصه زمان کا بعضی اگر حال چنین باشد که ما باز زنده شویم با ایمان کا  
باشیم چون عمل نیک کرده ایم و ایمان نیورده ایم چون کوان منکر شدند آمدن قیامت را  
دور داشتند و سجده و تعالی را نشان رد کرد و گفت جل جلاله فاقمها حی رحمة و احسان  
پس برستی که نیست این زنده کردن ایشان و رد کردن بحال او را که یکدست با نیک زدی یعنی  
یک دم بدن در صورت فاداهم پس نا که ایشان بالشاهرة باشند در روی زمین قیامت  
کران زمین نزدیک بیت المقدس باشد چون مسلمانان محمد را صلوات الله علیه و سلم یاد کرد و از حال  
فرعون و انکار موسی را علیه السلام خبر داد که با تو هر رسید با نشان سر فرود بر رسید  
گفت من عصاره اصل اتیک حدیث موسی بدستی که تنوای محمد رسید من موسی  
علیه السلام اذ ناداه و کتبه و کتب فواند او را فدای او بالوادى للقدس طویک  
در جایی که نام او طوی است اذهب الافرعون ان تطغی فرمود حق تعالی موسی را علیه السلام  
که بر بسوی فرعون ویرا بدین حق بخوانی کوی از حد و گذشت است و دعوی باطل میکند

یا کوه